مجلّهٔ طب سنّتی اسلام و ایران، سال چهاردهم، شمارهٔ سوم، پاییز ۱۴۰۲

مقاله اصیل پژوهشی
(تاریخ پزشکی)

بررسی کاربرد اصطلاح ریح در کتاب *قانون* ابن‌سینا

کامران محلوجی[الف]، مهرداد کریمی[الف]*

[الف]گروه تاریخ پزشکی، دانشکدهٔ طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

باد و ریح در متون مختلف طبی معانی گوناگونی دارد. علیرغم اینکه باد هم یکی از عوامل بیماری‌زا و هم یکی از ابزار طبیعت برای ایجاد افعال در مجاری طبیعی بدن است، تحقیق جامعی درباره جایگاه و مفهوم این اصطلاح در بستر آثار پزشکان طب ایرانی صورت نگرفته است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر بررسی کاربرد اصطلاح ریح و مشتقات آن برحسب تعداد تواتر و نحوهٔ کاربست آن در اثر *القانون فی الطب* ابن‌سینا است.

کلیدواژه‌ها: باد، تاریخ پزشکی، ماساژ

تاریخ دریافت: آذر ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: اسفند ۱۴۰۲

مقدمه

ریح از ریشهٔ «روح»، در زبان عربی کلمه‌ای است که بر گستردگی، گشادگی، روانی، رواج و از پی هم‌آمدن چیزی دلالت دارد و در معانی گوناگونی نیز به‌کار رفته است، اما مشهورترین معنای آن همان است که امروزه با نام باد و نسیم شناخته می‌شود (۱). این اصطلاح در متون طبی نیز کاربرد فراوان و معانی گوناگون دارد. در ادبیات طب ایرانی، ریح به معانی هوا، بوی خوش، بادهای وزنده در جهان، ریاح موجود در زیرِ زمین، بادهای موجود در بدن و مانند آن به‌کار رفته است. هریک از این ریاح ویژگی‌ها و خواصی دارند و گاه بیماری‌زا یا محرکِ برخی بیماری‌ها و گاه یکی از اسباب مادی مهم برای پیدایش برخی افعال بدنی محسوب می‌شوند؛ برای نمونه، در متون طبی متقدّم، سخن از بادهای وزنده‌ای است که موجب پیدایش برخی بیماری‌ها مانند فالج و دردهای کبد می‌شوند. دمشقی در *رسالهٔ هارونیه* آورده است: «سردمزاجان .. پیش از رفتن به حمام با روغن یاسمین و یا روغن خیری بدن خود را تدهین نمایند تا حرارت آب حمام به باطن بدن آنان برسد و از ناپاکی آن را بشوید .... و برای آنان انجام حرکات خسته‌کننده بعد از خروج از حمام و راه‌رفتن در باد به‌ویژه اگر باد دبور باشد شایسته نیست، زیرا باد دبور سبب تحریک فالج و بدحالی می‌شود. و سبب درد کبد از سردی و راه‌رفتن در باد شدید است»[1] (۲). این متون به ما نشان می‌دهند که در اندیشهٔ حکمای آن دوره، باد در تغییر وضعیت بدن انسان تأثیرگذار بوده است (۳).

این انگاره در ایران باستان واجد هویت‌های (Persona) قابل‌تمییزی است که عملکرد خاص خود را دارد. در آن زمان «هر دردی را با نام باد ویژه‌ای می‌خواندند که عبارت بود از: سردباد، سفیدباد، ماشوله‌باد، زشت‌باد، سیاه‌باد، ... و بالاخره هفتادباد و رنگ‌باد و...» (٤). اسطورهٔ «وای» در ایران باستان نیز به خواص بیماری‌زایی باد اشاره دارد. توضیح این‌که جاندارپنداری باد مختص ایرانیان باستان نبوده و در میان اقوام دیگر نیز این باور دیده می‌شود. در کتاب *شاخهٔ زرین* آمده است: «بر تپه‌ای در بوما نزدیک دهانهٔ رود گنگو، نام ولوومو، فرمانروای باد و باران، سکونت دارد» (۵).

در دوران طلایی یونان این انگاره به شکل دیگری ظهور می‌کند. در کتاب *آثار علوی* ارسطو، باد که «پنوما» نامیده شده عنصری مادی است که قابل‌رؤیت نیست. بعدها نیز در اندیشهٔ جالینوس شکل تازه ای به خود می گیرد و حتی منشأ روح نیز هوا و باد معرفی شده است. در دورهٔ تمدن اسلامی و بعد از ترجمهٔ این مفاهیم به عربی و بازتعریف متون یونانی، ساز و

* فرد مسئول مکاتبات: mehrdadkarimi@yahoo.com

کار باد کاملاً دگرگون می‌شود. تحول ایدهٔ باد در دورهٔ تمدن اسلامی به‌قدری قابل‌تأمل است که ژرارد وربک (G érard Verbeke) در کتاب *تکامل دکترین باد (پنوما)* به سیر تحول پنوما و تبدیل آن در طول حدود هزار سال به نفس متعالی ابن‌سینا و اندیشه‌های آکوئیناس می‌پردازد (٦).

بااین‌حال و علی‌رغم این‌که مفهوم مندرج در پس اصطلاح ریح نزد متفکران مختلف تا این اندازه تفاوت دارد، در هیچ‌یک از دائره‌المعارف‌های مطرح تاریخ پزشکی مانند *تاریخ پزشکی: داروسازی، دندانپزشکی و دامپزشکی* با ویراستاری ژاک پوله، ژان شارل، و مارسل مارتینی، مدخلی به باد اختصاص داده نشده است (۷). همچنین در دورهٔ ده‌جلدی *تاریخ مصور پزشکی جهان* تألیف ولی‌الله محرابی که شباهت فراوانی با کار پوله دارد، نیز هیچ مدخلی از باد وجود ندارد. تحقیقات کیفی رایج دربارهٔ انگارهٔ باد در حوزهٔ پزشکی نیز نتوانسته بهبودی در این وضعیت به‌وجود آورد. به‌نظر می‌رسد پایان‌نامهٔ ریح که در دانشکدهٔ طب سنتی دانشگاه علوم پزشکی تهران توسط لطیفی انجام شده است (۸)، یکی از نخستین گام‌ها برای شناخت ریح در حوزهٔ طب سنتی باشد.

اهمیت پژوهش دربارهٔ باد از این‌روست که تبیین موضوع ریح می‌تواند در شناخت کارکرد بدن از منظر طب سنتی و درمان‌های مرتبط با آن مانند اعمال یداوی کاربردهای فراوانی داشته باشد. مهم‌ترین مشکل در این حوزه نیز این است که این واژه در طب ایرانی، اصطلاحی است با کاربردها و مصادیقی چندگانه که دست‌یافتن به تعریف واحدی برای آن سخت به‌نظر می‌رسد؛ برای نمونه، حکیم اعظم‌خان ملقّب به ناظم جهان، از دو نوع صُداع (سردرد) به نام‌های صداع ریحی و صداع بخاری یاد می‌کند که نشان می‌دهد او میان ریح و بخار تفاوت قائل است. همچنین، او این ریاح و بخارات را به دو نوع داخلی و خارجی تقسیم کرده و برای ریح به دو کیفیت حار و بارد و برای بخارات به سه نوع حار، بارد و دخانی اشاره کرده است (۹). در عوض، در برخی کتاب‌های دیگر مانند *طب اکبری*، صداع ریحی عنوان عامی است که شامل سردردهای ناشی از ریح و بخار می‌شود و تفکیک حکیم اعظم‌خان در آنها دیده نمی‌شود (۱۰، ۱۱). بنابراین برای انجام این پژوهش لازم است این اصطلاح در تک‌تک کتاب‌های طبی به استقلال بررسی شود و سپس داده‌ها با یکدیگر مقایسه شده و تعریفی روشن از این اصطلاح یا دست‌کم سیر تطوّر تاریخی معنای آن در متون طب ایرانی ارائه گردد. تنها در این صورت است که تمثیل توصیف‌کنندهٔ باد در تمدن اسلامی و حتی فرهنگ‌های مختلف وضوح کافی خواهد یافت.

این پژوهش با چنین رویکردی به بررسی کاربرد اصطلاح ریح در کتاب *القانون فی الطب* ابن‌سینا پرداخته و کوشش کرده کاربرد و جایگاه این اصطلاح را در کتاب نامبرده تبیین کند.

معرفی ابن‌سینا و کتاب *قانون در طب*

ابوعلی حسین‌بن‌عبدالله‌بن‌سینا (۳۷۰ تا ٤۲۸ هـق/۹۸۰ تا ۱۰۳۷ م)، از دانشمندان بزرگ سرزمین ایران، در روستایی حوالی بخارا چشم به جهان گشود. او کتاب *القانون فی الطب* را که در زمینه‌های مختلف پزشکی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به زبان عربی و در پنج بخش (مبانی و کلیات طب؛ داروهای مفرد؛ بیماری‌های جزئی که در هریک از اندام بدن از سر تا قدم رخ می‌دهد؛ بیماری‌های عمومی که به عضوی خاص اختصاص ندارد و داروهای ترکیبی) تألیف کرده است. دربارهٔ ملیت این اندیشمند تاکنون ادعاهای متفاوتی طرح شده است؛ همچون ادعای عجیبی که مازاچیوگلو (Mazicioglu) در سال ۲۰۱۵ مبنی بر ترکیه‌ای‌بودن ابن‌سینا طرح کرد (۱۲) که محققان ایرانی آن را رد و ایرانی‌بودن ابن‌سینا را اثبات کردند (۱۳). کتاب *القانون فی الطب* مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب ابن‌سینا در دانش طب و از اُمّهات کتاب‌های طبی در تمدن ایران پس از اسلام و ازجمله مهم‌ترین آثار پزشکی دنیای قدیم است.

مواد و روش‌ها

این یک تحقیق کتابخانه‌ای است که دربارهٔ موضوع ریح انجام شده و برای انجام آن به کتابخانه‌های ملی، دانشگاه تهران، دانشکدهٔ طب سنتی، کتابخانهٔ دکتر اصفهانی، کتابخانهٔ تخصصی اخلاق پزشکی دانشگاه تهران، کتابخانهٔ شخصی استاد اسماعیل ناظم و نسخهٔ دوم نرم‌افزار طب نور مراجعه شد. سپس با مراجعه به کتاب *قانون* ابن‌سینا (*القانون فی الطب*

چاپ بیروت ١٤٢٦) و با استفاده از واژگان کلیدی مرتبط با ریح، داده‌های لازم از این کتاب استخراج و به‌حسب موضوع مرتب شد و در مرحلهٔ بعد، با توجه به مبانی نظری صاحب اثر و ظهور عبارات متن کتاب، این داده‌ها بررسی و با یکدیگر مقایسه شدند.

در ادامهٔ پژوهش برای دریافت بهتر معنی و حدودوثغور اصطلاح ریح، پرسش‌هایی براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده طرح شد. در این روند براساس روش‌شناسی مطالعه به روش کیفی (Qualitative research) و با استفاده از تجربیات صاحب‌نظران و استادان به بررسی اطلاعات و تحلیل محتوا (Content analysis) پرداخته شد تا تحلیلی نظام‌مند از متن انجام شود. برای این منظور نیز از روش استاندارد تحلیل دادهٔ کلایزی (Colaizzi) بهره برده شد. برای سنجش پایایی و اعتبار پژوهش نیز از روش کسب اطلاعات دقیق موازی (Peer debriefing) استفاده شد تا ضمن تلاش برای تبیین جایگاه یک اصطلاح، مقدمات ارائهٔ تعریف تاریخچهٔ اصطلاح نیز فراهم شود؛ زیرا فقط در صورت استخراج این مفاهیم است که امکان کارهای گسترده‌تر در زمینهٔ بررسی ایده و تاریخچهٔ ایده نیز فراهم خواهد آمد.

یافته‌ها

کلمه ریح و مشتقات آن در کتاب *قانون*

براساس مدل کلایزی، برای بررسی اصطلاح ریح در متن *قانون*، باید متونی که شامل اصطلاح ریح و مشتقات آن بودند استخراج و مرتب می‌شد که نتیجهٔ این بررسی در جدول۱ آمده است. در ستون نخست جدول، واژهٔ موردنظر برحسب حروف الفبا قرار داده شده است. در ستون دوم و سوم، موضع ریح و موضوعی که ریح به آن مرتبط است، آمده و در ستون چهارم نشانی عبارت در کتاب *قانون* ذکر شده است (جدول۱).

جدول۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ارياح = بو	آسمان	ارياح عفن: بوهای گند و بد	١١٨/١: الفصل الخامس الهواء الجيد
رياح	اشيا= دارو	نقوع حب الصنوبر در آب گرم رياح آن را می‌شکند.	٤٥٣/١: حب الصنوبر
رياح	آسمان	آب باران به‌دست‌آمده از ابرهای همراه با رياح عاصفه	١٣٤/١: الفصل السادس عشر فی أحوال المياه
رياح	بدن	احتقان رياح در فضای رحم يا در خلل ليف رحم يا در زوايای آن از اسباب نفخهٔ رحم و ريح رحم است.	٤٩٤/٣: فصل فی النفخه فی الرحم و معرفتها
رياح	بدن	احساس تمدد در معده و پهلوها و زير شراسيف نشانهٔ وجود رياح است.	٩٦/٣: فصل فی دلائل آفات المعده غير المزاجيه
رياح	بدن	اختلاجات نشانهٔ تکون رياح و تحرک آنها برای تحليل‌رفتن و کم‌شدن است.	١٦٣/١: الفصل التاسع العلامات الداله علی الرياح
رياح	بدن	اختلاف حرکات رياحی که در معده پديد می‌آيند.	١٠٧/٣: فصل فی الأمور التی فی استعمالها ضرر بالمعده و الأمعاء
رياح	بدن	اخلاط حاده سبب تهيج ابخره می‌شوند، نه تهيج رياح	٢٢٩/٢: فصل فی کيفيه عروض الصداع من المواد
رياح	بدن	ادويه‌ای که سبب حبس اخلاط و رياح در نواحی دماغ می‌شوند.	٣٩٨/٢: فصل فی الدوی و الطنين و الصفير
رياح	بدن	اذخر محلل رياح است.	٣٢٤/١: إذخر و فقاحه
رياح	بدن	از اسباب نفث الدم رياح موجود در خود عروق است.	١٠/٣: فصل فی نفث الدم
رياح	بدن	ازدياد تهيج رياح به‌واسطهٔ استفاده از برخی حقنه‌های حار	١٤٤/٣: المعالجات
رياح	بدن	استطلاق بطن به‌سبب ريح	٢٥٩/٣: فصل فی کلام فی استطلاق البطن

ادامهٔ جدول۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریاح	بدن	استعمال بزور محلل ریاح در استسقای طبلی	۲۲۸/۳: فصل فی علاج الاستسقاء الطبلی
ریاح	بدن	استعمال محللات ریاح در استسقای طبلی	۲۲۸/۳: فصل فی علاج الاستسقاء الطبلی
ریاح	بدن	خوردن شلجم مولد سُدّه و ریاح است.	۱٤۱/۲: شلجم
ریاح	بدن	خولنجان محلل ریاح است.	۱۷٤/۲: خولنجان
ریاح	بدن	خون بط ریاح را می‌افزاید.	۳۷۱/۱: بط
ریاح	بدن	دارشیشعان محلل ریاح است.	۳۹۹/۱: دارشیشعان
ریاح	بدن	داروی نافع در ریاح معده	٥٥٤/٤: المقاله الثانیه عشره فی ذکر المعاجین و الجوارشنات
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریاح بارد غلیظ عارض بر عصب	٥۳۸/٤: المقاله العاشره فی الأدهان
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریاح بطن که همراه حمی باشند.	۱٤٥/۳: فصل فی القراقر
ریاح	بدن	دارویی نافع برای ریاح معده	٤۲٥/٤: المقاله الأولی فی الترياقات و المعاجین الکبار
ریاح	بدن	در اختلاج ناشی از غم و غضب، حرکت روح سبب تحلل مواد به ریاح می‌شود.	۳۳۲/۲: فصل فی الاختلاج
ریاح	بدن	در قولنج ریحی ریاح ساکنی هستند که نه قراقر ایجاد می‌کنند و نه خارج می‌شوند.	۳۰٤/۳: فصل فی علامات الریحی
ریاح	بدن	دربارهٔ ریاح رحم	٤۹٥/۳: فصل فی ریاح الرحم
ریاح	بدن	دربارهٔ ریاح الأفرسه	٥۰۱/۳: فصل فی الحدبه و ریاح الأفرسه
ریح	بدن	تحلیل‌بردن ریح	۲۰۷/٤: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	تحلل ریح و اندفاع خلط و مادهٔ مؤذی برای درمان بیماری صرع	۲۹۲/۲: فصل فی الصرع
ریح	بدن	تحلیل‌بردن ریح	۲۰۷/٤: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	تدبیر ریح لازمه با حقنه در بیماری مغص	۲۹٦/۳: فصل فی المغص
ریح	بدن	تسهیل ریح از افعال برخی ادویه است.	۳۱۳/۱: الجمله الثانیه قسمناها إلی عده ألواح و إلی بیان قاعده فی بیان الأدویه المفرده
ریح	بدن	تشنج به‌ندرت ناشی از ریح است.	۳۲۲/۲: فصل فی الکزاز و التمدد
ریح	بدن	تشنج مفرد عارض بر یک عضو به‌سبب ریح، بیماری سختی نیست.	۳۲۲/۲: فصل فی الکزاز و التمدد
ریح	بدن	تکمید، گاه وجع شدید ایجاد می‌کند. پس لازم است یا ترک تکمید یا تکرار آن تا ریحی را که ابتدا به هیجان آمده به تحلیل ببرد.	۳۰٦/۳: فصل فی قانون علاج القولنج
ریح	بدن	تمدد بدون ثقل نشانهٔ ریح است.	۱٦۷/۳: تفصیل هذه الدلائل

ادامهٔ جدول۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح	بدن	تمدد جرم قلب به‌سبب تمدید ریح با تمدید مار مورمه و...	٥٤/٣: فصل فی القوانین الکلیه فی علاج القلب
ریح	بدن	تمدد ناشی از ریح بادی در اعضا	٨٠/١: الفصل الأول کلام فی العصب خاص
ریح	بدن	تمدد و تمزق در قولنج ناشی از ریح شدیدتر از قولنج بلغمی است.	٣٠٤/٣: فصل فی علامات الریحی
ریح	بدن	تمدد همراه ثقل نشانهٔ ریح سده (ریح مسدود) است.	١٦٧/٣: تفصیل هذه الدلائل:
ریح	بدن	تولد ریح در امعا	٢٠٧/٤: فصل فی تدبیر کلی فی جراحات الأحشاء
ریح	بدن	توهم انسان دربارهٔ وجود ورمی در یکی از اعضا که نیازمند شکافتن است و با شکافتن آن فقط ریح خارج می‌شود.	١٩٢/٤: فصل فی الأورام الریحیه و نفخات العضل
ریح	بدن	ثبات و قوت ریحی که سبب کثرت انعاظ بدون شهوت است یا از برودت آن است یا از غلظتش.	٤٢٤/٣: فصل فی کثره الإنعاظ لا بسبب الشهوه
ریح	بدن	جندبیدستر محلل انواع صداع بارد و ریح است.	٣٨٤/١: جندبیدستر
ریح	بدن	جندبیدستر و ازالهٔ برد و ریح رحم و برودت خصیه	٣٨٤/١: جندبیدستر
ریح	بدن	جوهر طعام و تولد ریح و نفخه از آن	١٤٤/٣: العلامات
ریح	بدن	حجامت قطن برای امراض غیرریحی اقوی است.	٢٧٣/١: الفصل الحادی و العشرون فی الحجامه
ریح	بدن	حدوث تفرق اتصال به‌سبب ریحی که تمدد ایجاد کرده	٣٩٤/٢: فصل فی وجع الأذن
ریح	بدن	حدوث خستگی بعد از ریاضت به‌سبب فضول محتبس در عضل یا ریح	٢٢٥/١: الفصل الثانی عشر فی الإعیاء الذی یتبع الریاضات
ریح	بدن	حدوث دوی و طنین به‌سبب مادهٔ لزجی که تحلیل به ریح یافته	٣٩٨/٢: فصل فی الدوی و الطنین و الصفیر
ریح	بدن	حدوث وجع اذن در کودکان به‌سبب ریح و رطوبت	٢٠٣/١: الفصل الثالث الأمراض آلتی تعرض للصبیان و علاجاتها
ریح	بدن	حرارت اگر معتدل باشد رطوبت غریبهٔ غذا را تحلیل می‌برد و مستحیل به ریح نمی‌کند.	١٤٣/٣: فصل فی النفخه
ریح	بدن	حرکت پوست با عضله در اختلاج به‌سبب ریح غلیظ نفاخ	٣٣٢/٢: فصل فی الاختلاج
ریح	بدن	حس‌شدن وجع طحال در پهلوی چپ به‌سبب استحکام ریح بین غشا و صفاق	٢٥٤/٣: فصل فی وجع الطحال
ریح	بدن	حمام برای فواق ناشی از احتباس ریح در معده، فم معده یا مری نافع است.	١٦٠/٣: المعالجات
ریح= بو	اشیا= خانه	بیت طیب الریح: اتاق خوشبو	٤٨٤/٣: فصل فی الورم الحار فی الرحم
ریح= بو	اشیا= دارو	ادویهٔ قابضه طیب الریح: خوشبو	١٢٣/٣: المعالجات
ریح= بو	اشیا= دارو	ادویه قابضه طیبه الریح: خوشبو	٢٧٧/١: الفصل الخامس و العشرون فی معالجات الأورام
ریح= بو	اشیا= دارو	اشتداد ریحه: بیشترکردن بوی دارو	٥٣٨/٤: المقاله العاشره فی الأدهان
ریح= بو	اشیا= دارو	حلو الریح: شیرین بو	٥٣٨/٤: المقاله العاشره فی الأدهان
ریح= بو	اشیا= دارو	حلوه الریح: بوی شیرین	٨٠/٢: عود الصلیب

ادامهٔ جدول۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح= بو	اشیا= دارو	درمان صداع بارد با استنشاق بوی طلای متخذ از روغن قثاءالحمار و روغن حنا	۲۳۷/۲: فصل فی علاج الصداع البارد بغیر ماده أو بماده بلغمیه أو سوداویه
ریح= بو	اشیا= دارو	زنجبیل بوی خوش دارد.	٤٢٠/١: زنجبیل
ریح= بو	اشیا= دارو	سلیخهٔ احمر خوشبو و خوش‌طعم است.	٥٩/٢: سلیخه
ریح= بو	اشیا= دارو	طلای طیب الریح: طلای خوشبو	٦٠٢/٤: المقاله السابعه فی أوجاع المفاصل و النقرس ...
ریح= بو	اشیا= دارو	قابضات طیب الریح: خوشبو	٢٤٣/١: الفصل الأول کلام کلی فی العلاج
ریح= بو	اشیا= گیاه	ریح سداب	٣٢٥/٤: فصل فی طرد ابن‌عرس
ریح= بو	اشیا= گیاه	کمثرای خوشبو	٤٤/٤: فصل فی المعالجات و أولا فی معالجات الحمیات الحاده
ریح= بو	اشیا= گیاه	مشمش طیب الریح	٤٠٢/٤: فصل فی علاج فساد الرائحه للجلد عاماً
ریح= بو	اشیا= گیاه	میوه‌های خوشبو	٤٤/٤: فصل فی المعالجات و أولا فی معالجات الحمیات الحاده
ریح= بو	اشیا= منی	تشخیص سلامت منی از رایحهٔ آن	٤٤٣/٣: فصل فی العقر و عسر الحبل
ریح= بو	اشیا= گیاه	بوی گیاه بیش	٢٩٩/٤: فصل من جمله السموم النباتیه البیش
ریح= بو	بدن	انجدان بوی بدن را تغییر می‌دهد.	٣٣٣/١: أنجدان
ریح= بو	بدن	حس‌شدن بوی خلط متعفن در استخوان خیشوم	٤١٧/٢: فصل فی سبب النتن فی الأنف
ریح= بو	بدن	حس‌شدن بوی عفن در بینی به‌سبب وجود خلط	٤٠٨/٢: فصل فی آفهٔ الشم
ریح= بو	بدن	خلط متعفن در استخوان خیشوم که عفن و منتن الریح (دارای بوی بد) است.	٤١٧/٢: فصل فی سبب النتن فی الأنف
ریح= بو	بدن	منتن الریح: بدبو	٢٦٦/٣: العلامات
ریح= بو	بدن= بیمار	حس‌شدن بوی صبر در بینی	٣١٦/٤: فصل فی مراره النمر
ریح= بو	بدن= بیمار	شنیده‌شدن بوی مشک و سمن و ... از بینی بیمار نشانهٔ نزدیکی موت است.	١٢٦/٤: فصل فی علامات تؤخذ من جهه الأنف
ریح= بو	بدن= خلط	میل بلغم به حموضت در بو و طعمش	٧١/٣: فصل فی تغزیر اللبن
ریح= بو	بدن= بیض الریح	بیض الریح (تخمک‌هایی که بارور نشده است تخمک جنس مؤنث). [براساس بافت عبارت و شواهد دیگر این تخمک رایحه‌ای دارد که با آن اسپرم مرد را جذب می‌کند. پس در مجموع به معنی تخمک دارای رایحه و بو است].	٤٨١/٣: فصل فی الرتقاء
ریح= بول	بدن	بول اصحاب تمدد و ریح غالب بر آب	١٨٨/١: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد
ریح= بول	بدن	رابطهٔ زرق البول و وجود ریح خارجیه با بول	١٨٨/١: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد
ریح= بول	بدن	رسوب سحابی بهتر از راسب است مگر این‌که سبب طفوء رسوب، ریح کثیر باشد.	١٨٨/١: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح= بول	بدن	زبد بول از ریح منزرق در ماء پیدا می‌شود.	١٨٨/١: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد

ادامهٔ جدول۱. جملات مهم استخراج‌شده شامل اصطلاحات ریح و ریاح از کتاب قانون در طب

واژه	موضع	موضوع	نشانی
ریح= بول	بدن	سبب طفوء رسوب بول حرارت مصعده یا ریح است.	۱۸۸/۱: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح= بول	بدن	کثرت زبد نشانهٔ لزوجت و ریح کثیر است.	۱۸۸/۱: الفصل الخامس الدلائل المأخوذه من الزبد
ریح= بول	بدن	کدورت رنگ بول نشانهٔ ارضیت و ریح آمیخته به مائیت است.	۱۸۵/۱: الفصل الثالث قوام البول و صفاته و کدورته
ریح= بول	بدن	گاه سفیدی رنگ بول به‌سبب آمیختگی شدید ریح با آن است.	۱۸۸/۱: الفصل السادس دلائل أنواع الرسوب
ریح= هوا	بدن	از عوامل عسر نفس احتباس هوای استنشاق‌شده به‌سبب وجود سده است.	٤٨٦/٢: فصل فی النفس العسر
ریح= هوا	بدن	نفوذ ریح از ثقبهٔ بینی	٤٠٧/٢: فصل فی تشریح الأنف
ریح= هوا	حقنه	بازگشت ریح درون آلت حقنه	٣١٠/٣: فصل فی صفه المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح= هوا	حقنه	تعبیه مجرای خروج هوا در ابزار حقنه برای این است که وقتی آلت حقنه را می‌فشارند تا داروی حقنه به امعا وارد شود، ریح همراهان به امعا نرود، بلکه بازگردد و از مجرای مذکور خارج شود. منظور از ریح در اینجا هوای داخل آلت حقنه است.	٣١٠/٣: فصل فی صفه المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح= هوا	حقنه	ریح درون آلت حقنه اگر به امعا وارد شود، داروی حقنه را به بیرون بازمی‌گرداند و شخص را نیازمند تخلیهٔ براز می‌کند.	٣١٠/٣: فصل فی صفه المسهلات لمن به قولنج بارد
ریح= هوا	حقنه	منفذی در انتهای آلت حقنه برای خروج ریح	٣١٠/٣: فصل فی صفه المسهلات لمن به قولنج بارد
ریحی	بدن	پیدایش صداع ریحی و طنین به‌سبب مشارکت معده با دماغ	٩٤/٣: فی علامات سوء المزاج البارد
ریحی	بدن	استفاده از تکمید آب در وجع مثانه و بادکش ناری در تسکین وجع ریحی	٢٨٣/١: الفصل الثلاثون فی تسکین الأوجاع
ریحی	بدن	استفاده از حقنه‌های محلل و مستفرغ ریح در قولنج ریحی	٣٠٦/٣: فصل فی قانون علاج القولنج
ریحی	بدن	استفاده از حقنه‌های مستفرغه در قولنج ثفلی ریحیهٔ صرف	٣٠٦/٣: فصل فی قانون علاج القولنج
ریحی	بدن	درد ناشی از ایلاوس ریحی اغلب به‌سبب وقوع سدهٔ ریحی است تا تمزیق طبقات توسط ریح	٣٢٣/٣: فصل فی إیلاوس
ریحی	بدن	امتلای ریحی از اسباب تفرق اتصال است.	١٤٥/١: الفصل السادس عشر أسباب تفرق الاتصال
ریحی	بدن	در صداع ریحی ثقل نیست.	٢٣١/٢: فصل کلام کلی فی العلامات الداله علی أصناف الصداع
ریحی	بدن	در علاج اورام، توجه به ماده‌ای که بخار ریحی از آن حادث شده لازم است.	٢٧٧/١: الفصل الخامس و العشرون فی معالجات الأورام
ریحی	بدن	در قولنج ریحی ثقل شدید احساس نمی‌شود.	٣٠٤/٣: فصل فی علامات الریحی
ریحی	بدن	معالجهٔ رمد ریحی	٣٤٢/٢: فصل فی العلاج المشترک فی أصناف الرمد و انصباب النوازل إلی العین
ریحی	بدن	مغص ریحی	٢٩٦/٣: فصل فی المغص
ریحی	بدن	نافع‌بودن برای قولنج ریحی از افعال برخی از ادویه‌هاست.	٣١٣/١: الجمله الثانیه قسمناها إلی عده ألواح و إلی بیان قاعده فی بیان الأدویه المفرده
ریحیه	بدن	بثور ریحیه	١٠٨/١: الفصل الخامس الأمراض المرکبه

از بررسی آنچه ابن‌سینا در کتاب *قانون* آورده، روشن می‌شود که ریح نزد ابن‌سینا ماده‌ای است که در اثر تأثیر حرارت قلیل بر رطوبت رقیق به‌وجود آمده است (١٤). این مفهوم یک نیروی محرکهٔ درونی دارد که سبب می‌شود حتی در زمانی که در جایی حبس می‌گردد از حرکت بازنایستد و تمایل به خروج و جنبش را در خود حفظ کند. این ویژگی، هم می‌تواند در عضو موردنظر بیماری ایجاد کند و هم می‌تواند ابزاری برای حفظ سلامتی باشد. از آنچه از سیاق عبارات شیخ در *قانون* برمی‌آید روشن است که از نظر او، ریح هم می‌تواند در خدمت طبیعت فرد باشد که به آن ریح طبیعی گفته می‌شود و هم می‌تواند همسو با طبیعت عمل نکند که آن را ریح غیرطبیعی می‌نامند. او بیماری‌هایی را که ناشی از ریح غیرطبیعی است برمی‌شمارد و مواردی را که ریح در خدمت طبیعت بدن باشد نیز نام می‌برد.

ابن‌سینا اصطلاح ریح و مشتقات آن را، ۷۰۲ بار در کتاب *قانون* به‌کار برده است. جدول‌های ۲ و ۳ و نمودارهای ۱ و ۲ تعداد و نحوهٔ کاربرد این کلمات را از حیث اختلاف واژگان و موضع وقوع آنها مشخص می‌کند.

جدول۲. کاربرد واژگان مختلف در کتاب قانون

واژه	تعداد
ارياح	۱
رياح	۳۰۱
ريح	۳٤۸
ريحيه	۹
ريحى	٤۳
جمع	۷۰۲

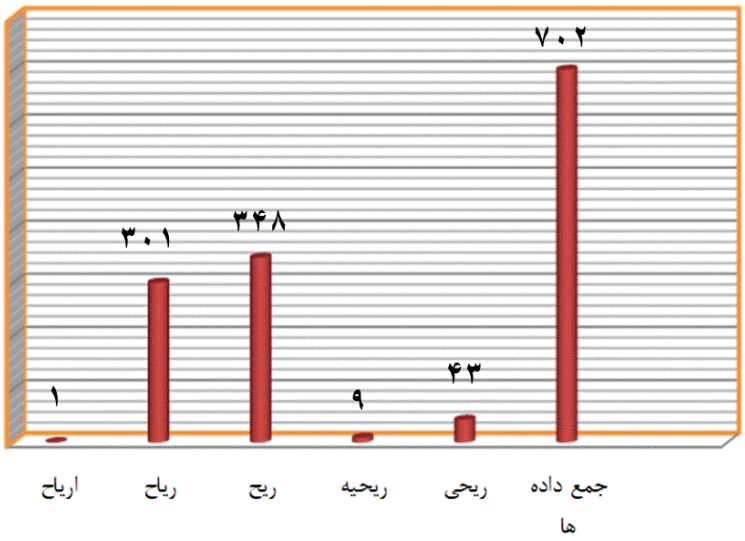

نمودار۱. فراوانی اصطلاح ریح و مشتقات آن در کتاب قانون

جدول۳. کاربرد اصطلاح براساس موضع وقوع در کتاب قانون

موضع وقوع	تعداد
اشیا	۲۹
آسمان (فضای بیرون از بدن انسان و زیرِ زمین)	۹۱
بدن	۵۸۲
جمع	۷۰۲

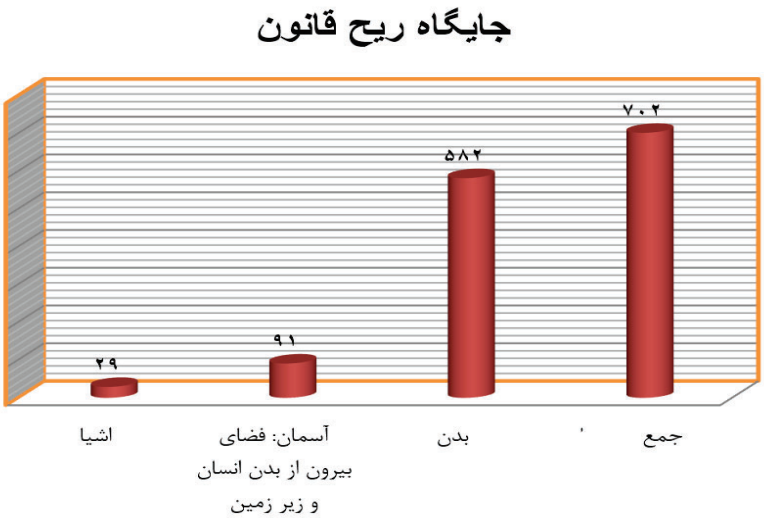

نمودار۲. فراوانی جایگاه قرارگرفتن اصطلاح ریح و مشتقات آن در کتاب قانون

انواع بادهای بیرون از بدن

ابن‌سینا کتاب *قانون* را به موضوعات طبی اختصاص داده و پرداختن به توصیف برخی مفاهیم را به کتاب‌های تخصصی دیگر واگذار کرده است. باد در کتاب قانون جزو همین گروه قرار می‌گیرد. بر همین مبنا ابن‌سینا بیشتر به وجوه کارکردی و بیماری‌زایی باد در این کتاب اشاره کرده است. او به‌جز هشت جهت اصلی در مورد بادهایی که در بیرون از بدن می‌وزند اشاره‌ای به ماهیت باد و نحوهٔ شکل‌گیری آن نکرده است. البته در میان متن به برخی نکات و ابهامات نیز اشاره کرده، مانند این‌که به عقیدهٔ دانشمندان قدیم هرچند منشأ مواد بادها از پایین است، لیکن همهٔ بادهای تند، از بالا شروع به وزیدن می‌کنند. این نظر اگر عمومی نباشد، نظر اکثریت آنهاست و داوری در این موضوع با علم طبیعیات است.

ابن‌سینا در فصل دهم کتاب *قانون* با نام «القول فی موجبات الریاح» به بادهای خارج بدن و عوارض ناشی از آنها پرداخته است. او مسیر وزش بادها را در چهار جهت اصلی قرار داده و از تأثیرات و خواص آنها بر بدن به‌ترتیب زیر سخن گفته است:

- **باد شمالی:** تن را نیرو می‌بخشد، مانع جریان‌یافتن مایعات در سطح بدن می‌شود، منافذ پوست را مسدود می‌کند، هضم را تقویت می‌کند، شکم را بند می‌آورد، بول را راه می‌اندازد و هوای وبایی را اصلاح می‌کند. اگر باد شمال بعد از وزش باد جنوب وزیدن گیرد، موادی را که باد جنوب موجب سیلان آنها شده به‌سوی درون می‌فشارد و گاه نیز موجب انتقال آنها از جایی به جای دیگر می‌شود. به همین سبب است که با وزش باد شمالی پس

از باد جنوبی، غالباً مواد از سر سرازیر شده، بیماری‌های سینه پیدا می‌شود و اعصاب آزار می‌بیند و از آسیب آنها مثانه و زهدان بیمار می‌شوند و دشواری دفع ادرار، سرفه، درد دنده، پهلودرد، سینه‌درد و لرزه بروز می‌کند.

- **باد جنوبی:** نیروهای بدنی بر اثر وزش بادهای جنوب سست می‌شوند، منافذ پوست گشاده می‌گردند، خلط‌ها برانگیخته می‌شوند و بیرون می‌آیند و حواس سنگین می‌شوند. باد جنوب زخم‌ها را بدتر می‌کند و بیماری‌ها را وخامت می‌بخشد، تن را لاغر می‌کند، قرحه‌ها و نقرس را به خارش سوزناک مبتلا می‌سازد، سردرد به بار می‌آورد، خواب‌آور است و تب‌های عفونی را به همراه می‌آورد.
- **باد شرقی:** باد شرقی اگر در پایان شب و آغاز بامداد وزیدن گیرد، لطیف‌تر و خشک‌تر از بادی است که بر اثر حرارت خورشید اعتدال یافته، لطیف گشته و رطوبت آن کاهش یافته است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب بوزد حالت آن برعکس است. به‌طور کلی باد شرقی از باد غربی بهتر است.
- **باد غربی:** اگر این باد در پایان شب و آغاز روز بوزد، چون حرارت خورشید بر آن اثر نگذاشته، متراکم و غلیظ است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب بوزد، کیفیت آن برعکس مورد بالایی است (١٤).

ابن‌سینا با تکیه بر این مبانی و توجه به آثار بادها دربارهٔ بیماری‌های مختلف استنتاجاتی ارائه می‌کند؛ برای مثال، هوای مناطق شمالی و باد شمالی را، که موجب تحلیل‌نرفتن و راکدماندن مواد در بدن می‌شوند، و نیز باد جنوبی و مناطق جنوبی را، که اَخلاط را رقیق می‌کنند و به حرکت درمی‌آورند و مغز را پر از خلط می‌کنند، برای بیماران صرعی مناسب نمی‌داند.

البته، این موضوع که جهت وزش بادها چه اثری بر کیفیت و خواص آنها بر بدن دارد نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است که در این مقال نمی‌گنجد، اما به‌اجمال باید گفت که در دنیای باستان هر جهت، ویژگی‌های ارزشی خاصی دارد و می‌تواند کیفیت‌های متفاوتی ایجاد کند که ماهیت آن با مفاهیم فرهنگی و اساطیری هر قوم پیوندی تنگاتنگ دارد.

ابن‌سینا در گام بعدی با ترکیب چهار جهت اصلی وزش باد با فصل‌هایی از سال که این بادها در آنها می‌وزند، نوسانات بیماری‌ها را در دوره‌های مختلف تحلیل می‌کند و برای بادهای مختلف در فصول مختلف احکام ویژه‌ای قائل می‌شود؛ برای نمونه، او در درمان سردرد ریحی خارجی به پزشکان چنین توصیه کرده است:

- توجه کنید که آیا باد از نوع حارّ صیفی (گرم تابستانی) است یا بارد شتوی (سرد زمستانی) و از چه منفذی به داخل سر راه یافته است؟
- اگر باد گرم تابستانی است و از راه گوش وارد شده، روغن نیم‌گرم بابونه یا روغن خیری یا روغن شبت که با کمی روغن گُل مخلوط شده در گوش بچکانند و اگر از راه بینی وارد شده، همان روغن‌ها را در بینی بچکانند و نطولات تحلیل‌برندهٔ مناسب استعمال کنند.
- اگر باد سرد زمستانی است و از راه گوش یا بینی وارد شده، در همان روغن‌ها که در گوش یا بینی می‌چکانند باید جندبیدستر را با مشک بیامیزند و به همان طریق معالجه کنند.

ابن‌سینا با توجه به این کیفیت‌های ترکیبی به تحلیل بیماری‌های اپیدمیک نیز می‌پردازد. او عملاً یکی از عوامل اصلی شیوع این نوع بیماری‌ها را باد و هوا می‌داند. برای نمونه، او در تبیین اپیدمیک بیماری نزله نوشته است: «نزله‌ها و بیماری‌های نزله‌ای در حین وزیدن باد شمالی زیادند، به‌ویژه اگر بعد از باد جنوبی بوزد. در زمستان هم بیماری‌های نزله‌ای زیاد است، به‌ویژه اگر تابستان شمالی و کم‌باران و پاییز جنوبی و پربارش باشد. در سرزمین‌های جنوبی نَزله بسیار و امتلاء سر زیاد است» (١٤).

او در اسباب پیدایش هوای وبایی نیز همین مسیر را طی می‌کند: «اگر در ماه‌های کانون (آذر و دی) باد جنوب و باد شرقی بوزد و چندین روز ادامه یابد، نشان از نزدیک‌شدن وبا دارد» (١٤، ١٥).

به‌نظر می‌رسد با ترکیب جهت وزش بادها، فصل‌ها، ویژگی‌های اقالیم مختلف، حضور کوه‌ها و دریاها و جنگل‌ها در بلاد متفاوت و مانند آن می‌توان به تحلیل‌های بهتر و مؤثرتری در باب بیماری‌های مردمان یک سرزمین و نحوهٔ درمان آنها رسید که ابن‌سینا به‌تفصیل به آنها نپرداخته است، اما براساس نظرات او امکان چنین تحقیقی وجود دارد. مقایسه جایگاه باد در اندیشه ابن‌سینا با دیگر پزشکان مطرح تمدن اسلامی مانند رازی، ربَّن طبری و قسطی ابن‌لوقا نیز می‌تواند به سیر تحول این اندیشه در تمدن اسلامی کمک قابل تأملی کند (۱۸-۱٦)

بحث و نتیجه‌گیری

ریح نزد این‌سینا ماده‌ای ناشی از تأثیر حرارت قلیل بر رطوبت رقیق است. این اصطلاح یک نیروی محرکهٔ درونی دارد. این نیرو موجب می‌شود حتی در زمانی که ریح در فضایی حبس می‌شود از حرکت بازنایستد و تمایل به خروج و جنبش را در خود حفظ کند. در یک نگاه کلی‌تر می‌توان دریافت که در اندیشهٔ ابن‌سینا دو نوع کلی ریح از یکدیگر متمایز شده است: بادها در داخل بدن و بادهایی که در بیرون از بدن می‌وزند.

این ویژگی نیروی درونی باد هم می‌تواند در عضو موردنظر ایجاد بیماری کند و هم می‌تواند ابزاری برای حفظ سلامتی باشد. او برای نشان‌دادن واضح‌تر عملکرد ریح، حرکت آن را در بدن با دقت در مسیرهایی تعیین می‌کند و در کنار آن ویژگی‌های متمایزی را برای کیفیت بروز ریح برمی‌شمارد.

مسیرهای حرکت ریح در بدن برحسب دیدگاه ابن‌سینا در قانون

ابن‌سینا در کتاب قانون، مسیرهای حرکت ریح در بدن را مطرح می‌نماید. او برای تبیین یکپارچهٔ عملکرد ریح در بدن، افزون بر روشن‌کردن مراکز مولد ریح، به مسیرهایی که ریح در آنها حرکت می‌کند نیز اشاره می‌کند[۲] (۱٤).

او ده مسیر را به‌ترتیب زیر ذکر می‌کند:

- در تجاویف اعضا
- درون اندام‌ها
- در طبقات اعضا
- در لیف‌های اندام‌ها (مانند قولنج ریحی)
- درلایه‌های ماهیچه
- در زیر غشا و روی استخوان و عضلهٔ اطراف آن
- بین گوشت و زیر پوست
- در خود عضو
- در عروق بدن
- در عروق اعضا (ابن‌سینا دو مورد عروق اصلی و عروق اعضا را در بخش دیگری به مسیرهای ریح اضافه می‌کند)[۳] (۱٤).

ریح در مسیرهای مورداشاره ابن‌سینا امکان حرکت دارد، اما نحوهٔ عملکرد آن در این اعضا وابسته به چهار عامل و شرط زیر است: ۱. کمی و بیشی ماده؛ ۲. غلظت و رقت ماده؛ ۳. استواری و سختی عضو؛ ٤. تخلخل و نرمی عضو. شیخ‌الرئیس معتقد است که ریح در اعضای بسیار نرم (مانند دماغ) یا بسیار سخت (مانند استخوان) محتقن نمی‌شود، بلکه در اعضای میانه در صلابت و لینت محتقن می‌شود (۱٤). در ضمن او معتقد است که ریح با جوهر عضو درنمی‌آمیزد (۱٤).

اما ریح همان‌طور، که پیش از این به آن اشاره شد، در تمام موارد موجب بیماری نیست، بلکه ابزاری جهت یاری سلامتی نیز محسوب می‌شود. عمده کار ریح را ابن‌سینا معین‌بودن بر دفع می‌داند (۱٤). باید در نظر داشت که این موضوع تعریف ویژه‌ای دارد. برخی از متفکران پیش از ابن‌سینا همانند علی‌بن‌ربّن طبری برای ریح کارکردهایی نظیر عامل حرکت خون در بدن قائل شده‌اند.

بیماری‌های ناشی از ریح در کتاب *قانون*

از منظر ابن‌سینا، ریح هم می‌تواند در خدمت طبیعت فرد باشد که به آن ریح طبیعی گفته می‌شود و هم می‌تواند همسو با طبیعت عمل نکند که آن را ریح غیرطبیعی می‌نامند.

با این توضیحات می‌توان دریافت که لازم است اصطلاح ریح و مکانیسم‌های بیماری‌زایی آن در کتاب *قانون* بررسی و تنظیم شود. در جدول٤، فهرستی از بیماری‌های ناشی از ریح که از کتاب *قانون* استخراج شده، آمده است.

جدول٤. نام بیماری‌های مرتبط با ریح

	نام بیماری		نام بیماری
١	احتباس ریح در استخوان	٥٢	ریاح بواسیر
٢	احتباس ریح در بخش تحتانی کبد	٥٣	ریاح خبیثه
٣	احتقان ریح در منخرین که سبب صداع می‌شود.	٥٤	ریاح رحم
٤	اختلاج	٥٥	ریاح صبیان
٥	اختلال در بویایی (آفه الشم)	٥٦	ریاح معده
٦	اختلال در هضم به‌سبب ریاح محتسب در بطن	٥٧	ریاح مفاصل
٧	استسقای زقی (آب در این بیماری بیشتر از ریح است)	٥٨	ریح السبل
٨	استسقای طبلی	٥٩	ریح الشوکه
٩	استطلاق بطن (اسهال)	٦٠	ریح خصیه
١٠	استعداد ابتلا به سل	٦١	ریح در فم معده
١١	اسهال غیرتام	٦٢	ریح کلیه
١٢	اشتباک ناشی از ریاح	٦٣	ریح گوش که سبب صداع می‌شود.
١٣	اشتمال ریاح بارد و غلیظ بر عصب	٦٤	ریح مثانه
١٤	اعیاء بعد از ریاضت	٦٥	زحیر (عمید: اسهال خونی)
١٥	انتفاخ ریحی مراق	٦٦	سدهٔ طحال (ریاح طحال)
١٦	انتفاخ ورم بارد با حکه	٦٧	سدهٔ کبد
١٧	انورسما	٦٨	سدهٔ مشارکتی امعا و رحم و سره با مثانه
١٨	اوجاع اذن ناشی از تفرق اتصال	٦٩	سقط جنین
١٩	اوجاع رحم	٧٠	سوءالنفس (تنفس)
٢٠	اوجاع سبعه	٧١	شقیقهٔ ریحی
٢١	اوجاع مثانه ناشی از ریح مثانه یا ناشی از حضور در بلاد شمالی و ریاح شمالی	٧٢	شکستگی استخوان
٢٢	اوجاع مفاصل	٧٣	صداع
٢٣	اوجاع ممده	٧٤	صرع
٢٤	اورام بطن	٧٥	عسر بول
٢٥	اورام ریحیه	٧٦	عقر و عسر الحبل
٢٦	اورام نفخیه	٧٧	فتق
٢٧	ایلاوس ریحی	٧٨	فتق عروق دماغ
٢٨	بثور ریحیه	٧٩	فواق (سکسکه)
٢٩	تشنج	٨٠	قراقر
٣٠	تشنج ریحی	٨١	قراقر معده

ادامهٔ جدول٤. نام بیماری‌های مرتبط با ریح

	نام بیماری		نام بیماری
۳۱	تفرق اتصال جوهر دماغ	۸۲	قولنج
۳۲	تفرق اتصال حجب دماغ	۸۳	قولنج التوائی (قولنج پیچشی)
۳۳	تمدد اعضا	۸٤	کثرت شهوت ناشی از منفخات که با برودت شدید همراه باشد.
۳٤	تمدد جرم قلب	۸۵	کزاز
۳۵	حبس ریاح در دماغ	۸٦	کم‌شدن بول و عرق در سوءالقنیه
۳٦	حدبهٔ غیرتام	۸۷	لوی
۳۷	حمای ریحی	۸۸	مغص
۳۸	خانق الذئب	۸۹	نفث الدم
۳۹	خانق النمر	۹۰	نفخ معده
٤۰	خلع مثانه	۹۱	نفخ و ریح کبد
٤۱	دوالی بیضه همراه با اختلاج	۹۲	وجع اسنان (دندان‌درد)
٤۲	دوی (وزوز، صوت در گوش)	۹۳	وجع انثیین
٤۳	ذات‌الجنب	۹٤	وجع ثاقب
٤٤	ربو	۹۵	وجع خاصره
٤۵	رض (کوفتگی) استخوان	۹٦	وجع ضاغط
٤٦	رمد ریحی	۹۷	وجع عانه
٤۷	ریاح ارحام	۹۸	وجع قضیب
٤۸	ریاح افرسه	۹۹	وجع معده
٤۹	ریاح افرسه در صبیان	۱۰۰	وجع معوی
۵۰	ریاح امعا	۱۰۱	وجع مکسر (حبس ریح میان استخوان و غشا موجب وجع مکسر می‌شود)
۵۱	ریاح بطن	۱۰۲	ورم ریحی (تهیج ریح به همراه بخار)

با توجه به این‌که مجموعاً ۷۰۲ بار اصطلاح ریح در کتاب *قانون* تکرار شده است، تمرکز ابن‌سینا با ۵۸٤ تکرار در مورد بادهای درون بدن در مقابل ۱۲۰ تکرار دربارهٔ بادهای خارج از بدن و باد به‌عنوان یک شیء نشان می‌دهد که در کتاب *قانون* تمرکز بیشتر بر روی بادهای داخل بدن بوده است و پرداختن به بادهای بیرونی غالباً یا به‌دلیل درک مکانیزم درونی آن صورت گرفته و یا تأثیراتی که موجب تحول سلامت در بدن می‌شود موردنظر بوده است. بر همین مبنا او ده مسیر حرکت باد در بدن را نام می‌برد و ۱۰۲ بیماری‌ای را که باد می‌تواند منشأ آن باشد، ذکر می‌کند.

تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافعی برای گزارش وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

[1] المبرود ... یدهن قبل دخوله الحمام بدهن الیاسمین و بدهن الخیری لتصل حراره الماء إلی باطن جسده و یغسله من الدنس ... و لا ینبغی له التعب بعد الخروج من الحمام و لا المشی فی الریح إذا کانت ریح الدبور فإنها تحرک الفالج و الخبث» و «وجع الکبد إنما یکون من البرودهٔ و المشی فی الریح الشدیده».

[2] الفصل السادس و العشرون، کیفیه إیلام الریاح: الریح تؤلم بالتمدید. و الریح الممدده، إما أن تکون فی تجاویف الأعضاء و بطونها کالنفخه فی المعده، أو فی طبقات الأعضاء. و لیفها کما فی القولنج الریحی أو فی طبقات العضل، أو تحت الأغشیه و فوق العظام أو حول العضل بین‌ها و بین اللحم و الجلد، أو مستبطناً العضو کما یستبطن عضل الصدر و سرعه انفشاشه أو طول لبثه، و هو بحسب کثره مادته و قلتها و غلظ مادته و رقتها و استحصاف للعضو تخلخله فحسب.

[3] و أما الکائن عن لطف حس القلب، فإن صاحبه یعرض له الخفقان من أدنی ریح یتولد فی الفضاء الذی بینه و بین غلافه، أو فی جرم غلافه، أو فی عروقه.

References:

1. Ibn Faris A. *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah*. Investigated by Harun AM. Beirut: Dar al-Fikr; 1979. Vol.2, P:454. [In Arabic].
2. Masih bin Hakam al-Dimasqi. *Al-Risalah al-Haruniyah*. Tehran: Research Institute for Islamic & Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2009. Vol.1, P:121,127. [In Persian].
3. Kuriyama S. The expressiveness of the body and the divergence of Greek and Chinese Medicine. Tehran: Abasaleh; 2012. [In Persian].
4. Shahrazadi R. History of medicine in ancient Iran. International Congress of Medical History in Islam and Iran. Tehran: Publications of Iran Institute of Knowledge and Research; 1996. [In Persian].
5. Frazer JG. The golden bough: A study in comparative religion. Macmillan; 1890. Vol.2.
6. Verbeke G, Taran L. Levolution de la doctrine du" pneuma," du stoicisme a S. Augustin: Desclee de Brouwer; 1945. [In France].
7. Jacques Poulet. History of medicine: pharmacy, dentistry and veterinary medicine. Tehran: Iran Encyclopedia Foundation; 2013. [In Persian].
8. Latifi AH. Explaining the role, position and function of the lungs in health and disease in Traditional Iranian Medicine along with presenting clinical evidence [Dissertation]. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2012. [In Persian].
9. Nazim Jahan MA. *Exir–i Azam* (The Great Elixir). Tehran: Research Institute for Islamic & Complementary Medicine, Iran University of Medical Sciences; 2008. Vol.1, P:97. [In Persian].
10. Arzānî MA. *Tibb-i Akbari*. Qom: Jalal al-Din Publications; 2008. Vol.1, P:19. [In Persian].
11. Ahmadieh A. *Raz-e Darman* (The Secret of Treatment). Tehran: Iqbal; 2007. Vol.3, P:27. [In Persian].
12. Mazicioglu MM. Ibni Sina (Avicenna) the most known and greatest Turkish medical doctor in late ancient world. Archives of gynecology and obstetrics. 2015 Sep;292(3):473-4.
13. Zargaran A, Rahimi R. Response to: Avicenna, a Persian scientist. Archives of Gynecology and Obstetrics. 2015 Sep;292(3):475-6.
14. Avicenna. *Al-Qanun fi al-Tibb* (The Canon of Medicine). Beirut: Dār Ihyā` al-Turāth al-Arabī; 2005. Vol.3, P:424;57. Vol.1, P:125;121,150,108,99. Vol.4, P:93; Vol.2, P:332. [In Arabic].
15. Ibn al-Nafis Al-Qarshi A. *Sharh Al-Qanun fi al-Tibb.* Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran's Parliament. Manuscript No. 6149; 1262. G. 343p and 344r. [In Arabic].
16. Abdoli M, Mahlooji K. Paradise of Wisdom: Indian Medical Concepts in a Persian Islamic Medical Text. Acta Medico-Historica Adriatica: AMHA. 2022;20(2):251-60.
17. Mahlooji K, Abdoli M, Tekiner H, Zargaran A. A new evidence on pulmonary circulation discovery: A text of Ibn Luqa (860–912 AD). European Heart Journal. 2021 July;42(26):2522–2523.
18. Ince F, Mahlooji K, Keskinbora KH, Zargaran A. Rhazes'(865–925 CE) contribution to surgery in Liber Almansoris. Acta Chirurgica Belgica. 2023 Mar 4;123(2):212-7.

An investigation of the use of the term *Rih* in Avicenna's Canon of Medicine

Kamran Mahlooji[a], Mehrdad Karimi[a]*

[a]Department of History of Medicine, School of Persian Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Wind and *Rih* have different meanings in different medical texts. Wind is both a pathogenic factor and one of the tools of body nature to create actions in the natural channels of the body. However, there has not been comprehensive evidence on the place and meaning of this word in the context of the works of Iranian medical doctors. Accordingly, the purpose of the current research is to investigate the application of the concept of wind and its derivatives in terms of frequency and how they are used in Avicenna's work Canon of Medicine (*Al-Qanun fi al-Tibb)*.

Keywords: Wind, History of Medicine, Massage

Corresponding Author: mehrdadkarimi@yahoo.com